

است و مترجم هر جمله را با جدیت ترجمه کرده است.

«گیاهخوار» زیبایی را با وحشت تلفیق می‌کند. آن داستانی است که در مواقعی وحشیانه و آزاردهنده است، با صحنه‌هایی از خشونت فیزیکی و جنسی، غذا دادن به‌زور و حس پیشگویی مرگ. چه چیزی شما را به نوشتن در مورد موضوعات تاریک‌تر و اعمال انسانی می‌کشاند؟

می‌خواستم به سوالاتی که درباره‌ی جهان و انسانیت داشتم در سه بخش درباره‌ی خواهرانی که در سکوت فریاد می‌کشند، بپردازم؛ یکی که می‌خواهد دیگر بخشی از نژاد بشر نباشد، از خوردن گوشت خودداری می‌کند و باور دارد تبدیل به گیاه شده است و دیگری که می‌خواهد جلوی مرگ خواهرش را بگیرد، درگیر و خودش رنجور می‌شود. وقتی زمان می‌نویسم خودم را می‌بینم که در تلاشم به پایان پریش - نه یک جواب - برسم که در ابتدا مرا به نوشتن آن رمان واداشته است. برای فهمیدن پریش‌هایم در مورد معنای انسان بودن، گذر از چنین صحنه‌ها و تصاویر سهمگینی برابم اجتناب‌ناپذیر بود.

«داستان پر از نمادشناسی‌های تصویر و موتیف‌های تکرار شونده است. آیا قصد داشتید این‌ها را در نوشتن داستان بگنجانید یا این‌ها به‌صورت طبیعی در دل داستان شکل گرفتند؟ این عناصر بصری داستان چقدر مهم هستند؟

وقتی داستان می‌نویسم، روی حواس تأکید زیادی می‌کنم. می‌خواهم حواس واضح مانند شنوایی و لامسه از جمله تصاویر بصری را منتقل کنم. من این احساسات را مانند جریان الکتریکی به جملاتم تزریق می‌کنم، سپس به‌طرز عجیبی خواننده آن جریان را تشخیص دهد. تجربه‌ی این ارتباط هریار برای من شگفت‌انگیز است.

«شما «گیاهخوار» را در ۲۰۰۷ نوشتید و وقتی در ۲۰۱۵ به انگلیسی ترجمه شد، بسیاری از خوانندگان و منتقدان احساس کردند که این یک تمثیل است؛ تفسیری هنجار شکنانه در مورد آداب و رسوم کراهی و جامعه، همچنین هنجارهای مردسالارانه. ۱۶ سال بعد از این کتاب چه احساسی دارید؟

مواقف که زمان می‌تواند به‌عنوان یک تمثیل علیه مردسالاری خوانش شود اما فکر نمی‌کنم که این منحصر به جامعه‌ی کراهی باشد. ممکن است اختلافاتی از نظر میزان آن وجود داشته باشد، اما به‌نظر من این موضوع نمی‌توانست جهانی باشد؟ من قصد نداشتم که پرتره‌ای از جامعه‌ی کراهی به‌طور خاص خلق کنم.

«گیاهخوار» ساختارهای روایی مرسوم را به چالش می‌کشد. داستان یونگ‌های از طریق سه‌راوی بیان می‌شود. با این حال او به‌ندرت اجازه‌ی شنیده شدن یک صدای می‌دهد. چرا انتخاب کردید که قهرمان تان را به این شیوه بنویسید؟

یونگ‌های، شخصیتی رادیکال و قوی است. او مصمم است که یک گیاه شود تا خودش را نجات دهد. طنز ماجرا البته این است که تلاش‌هایش، او را به مرگ نزدیک می‌کند. به‌جای این که یونگ‌های مستقیماً صحبت کند، می‌خواستم از طریق روایت شخصیت‌های دیگر نشان دهم که چگونه به‌او می‌نگرند، از او متنفر می‌شوند، دچار سوءتفاهم در موردش می‌شوند، به‌او ترحم می‌کنند و چطور به‌شکل کالا به‌او می‌نگرند. من لحظاتی را تصور می‌کردم که خوانندگان. حقیقت او را نکته‌تکه از دل این سوءتفاهم‌های بیرون می‌آورند.

«گیاهخوار» علاوه بر برنده شدن جایزه‌ی بین‌المللی بوکر، جایزه‌ی ادبی بی‌سانگ را نیز از آن خود کرد، تحسین منتقدان را دریافت کرد و در چندین فهرست «بهترین‌های سال» قرار گرفت. نوشتن چیزی که در سراسر جهان از آن ستایش شد، چه حسی داشت؟ این موضوع در سال‌های بعد چه تأثیری بر حرفه‌ی شما داشت؟

سه‌سال که صرف نوشتن «گیاهخوار» کردم دوران سختی برایم بود و هرگز تصور نمی‌کردم که روزی این همه خواننده پیدا کنم. در آن زمان، مطمئن نبودم که بتوانم این رمان را تمام کنم یا حتی به‌عنوان یک نویسنده به کار ادامه دهم. من از آرتور شیدینگ انگشتانم رنج می‌بردم. بنابراین دو قسمت اول را خیلی آرام نوشتم، با استفاده از یک خودکار نوک‌نمدی که به‌نرمی روی کاغذ حرکت می‌کرد، سپس قسمت آخر را با دو خودکار وارونه که روی کیبورد می‌زدم تایپ کردم. تا امروز، وقتی در مورد «موفقیت» رمان می‌شنوم، احساس ناخوشایندی دارم، به‌خصوص که به‌نظر می‌رسد قهرمان داستان، یونگ‌های، با کلمه «موفقیت» جور در نمی‌آید.

هرطور که شده در آن دوران توانستم از پس اش بر بیایم و رمان را تمام کردم. بعد توانستم سراغ بعدی بروم. در صحنه‌ی پایانی «گیاهخوار» خواهر یونگ‌های به شیشه‌ی آمبولانس، به بیرون خیره شده است؛ «گویی منتظر جوابی است. انگار علیه چیزی اعتراض می‌کند.» علاوه بر این احساس می‌کنم که کل رمان منتظر جوابی است و علیه چیزی اعتراض می‌کند. معمولاً سوالاتی که بعد از نوشتن یک رمان پیش می‌آید مرا به نوشتن بعدی سوق می‌دهد، بنابراین رمان چهارم را نوشتم که با سؤالی شروع می‌شود که آخرین صحنه‌ی «گیاهخوار» مطرح می‌شود: چطور ما با شرایط زندگی انسانی که هم‌زمان هم بسیار ملایم و هم بسیار خشن است، کنار بیاییم؟ بعد سؤالی که در پایان رمان چهارم مطرح شد نقطه‌ی شروع کار جدید شد. این شیوه‌ای است که تا همین حالا نوشته‌ام. تاژگی شروع به نوشتن زمانی جدید کرده‌ام، منتظرم ببینم که چه چیزی را در پایان می‌خواهم بنویسم.

در دهم اکتبر وقتی که آکادمی سوئدی برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اسام را اعلام کرد، هیچ‌ون خبری بیرون از خانه‌ی‌هان کانگ برنده‌ی نوبل ادبیات وجود نداشت. برعکس بیشتر اهالی ادبیات که وقتی سن و سالی از آن‌ها گذشته بود جایزه‌ی نوبل ادبیات را دریافت کردند، هان در ۵۳ سالگی این جایزه‌ی معتبر در دنیای ادبیات را در اوج حرفه‌اش بعد از دهه‌ها کار پربار که حاصلش هشت رمان و همین‌طور داستان‌های کوتاه، مقالات و جستارها و شعر است، دریافت کرد.

روز بعدش رسانه‌های کره شمالی گزارش دادند که هان از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی امتناع کرده است. آن‌هم به‌خاطر کسانی که از جنگ‌ها رنج می‌برند. خوانندگان کارهای او که خشونت انسانی، پیچیدگی‌های از دست دادن و غم و اندوه را بررسی می‌کند، احتمالاً از این تصمیم تعجب نکردند. با این حال مردم کره جنوبی که از طرفداران پرشور فرهنگ سلبریتی هستند و انتظار دسترسی نزدیک به بت‌های خود را دارند، با خشم و تمسخر واکنش نشان دادند. آن‌ها معتقد بودند که افتخار جایزه‌ی نوبل باید با آن‌ها تقسیم شود و احساس می‌کردند از جشنی که معمولاً به‌دنبال چنین شناختی است، محرومند. از زمان اولین حضور در المپیک استول در سال ۱۹۸۸ که نشان‌دهنده‌ی تلاش عمدی این کشور برای نفوذ فرهنگی بود، مطالب زیادی در مورد صعود خارق‌العاده‌ی قدرت نرم کره جنوبی در صحنه‌ی جهانی نوشته شده است. برای کسانی که توجه نمی‌کنند ممکن است احساس کنند، یک‌شبه با یک کی‌درام (درام کره‌ای)، کی‌بیوتی و کی‌پاپ دیده می‌شوند. پیشوند «کی» به‌عنوان یک اصطلاح بازاریابی جذاب و به‌راحتی قابل هضم برای محصولات فرهنگی جذاب و بسیار شیک کره‌ای عمل می‌کند.

هان که جایزه‌ی من بوکر ۲۰۱۶ را برای «گیاهخوار» که توسط دیورا اسمیت به انگلیسی ترجمه شده، دریافت کرد و دو سال بعدش هم با «کتاب سپید» جزو نامزدهای نهایی این جایزه بود، در دهه‌ی گذشته سهم قابل توجهی در برجسته‌سازی فرهنگی کره داشته است. اما نوشته‌های او به‌جای تأکید بر رشد چشمگیر کشورش، جنبه‌های سرمایه‌داری و مردسالارانه‌ی صنعت سرگرمی کره را به چالش می‌کشد و آن را رد می‌کند. «گیاهخوار» او که در ۲۰۰۷ در کره منتشر شد، زن جوانی را در سنول امروزی روایت می‌کند که خواب‌ها و خاطرات خشونت علیه حیوانات، او را تسخیر کرده است.

«زندگی حیواناتی که من خوردم، همگی در آنجا قرار دارد. خون و گوشت تمام اجساد قصابی‌شده در هر گوشه و کنار پراکنده شده‌اند و اگر چه بقایای جسمی آن‌ها دفع شده‌اند، اما زندگی‌شان همچنان سرسختانه به‌درون من می‌چسبد.» در نتیجه او تصمیم می‌گیرد که لب به گوشت نزند. شوهرش که برای این بازن ازدواج کرده، چون معتقد بود از هر نظر «کاملاً معمولی» است، این تغییر ناگهانی وجودگرایانه‌ی او را، ناراحت‌کننده می‌یابد و شروع به مبارزه با جسم و ذهن زن می‌کند. حالا زن دیگر پیش او نمی‌خواهد؛ زیرا مرد بوی گوشت می‌دهد و مرد نمی‌تواند با این موضوع کنار بیاید،

مرور

تشنه‌ی حقیقت

چرا خواندن آثار هان کانگ چالش‌هایی را برای مقامات کره‌ای ایجاد می‌کند؟

برانگیخته می‌شود و برایش کاملاً پذیرفتنی است که به‌زن تعرض کند. وقتی زن بعدها به‌خاطر خودکشی بستری می‌شود، مادرش از شوهر او عذرخواهی می‌کند و از رفتار غیرقابل درک و منحط دخترش شرم‌منده است.

بر اساس سیناپس «گیاهخوار»، این اثر را می‌توان اثری موفق و تک‌بعدی، داستان ترسناک بدن فمینیستی دانست و گسست یونگ‌های از هنجارهای اجتماعی کره جنوبی در مورد رفتار با زنان در نظر گرفت که از آن‌ها خواسته می‌شود همان‌طور که برایشان در نظر گرفته شده، بخونند، ببوشند و رفتار کنند. در بخش دوم رمان می‌بینیم که شخصیت او صرفاً فانی ارزش‌های کنونی نیست، بلکه خواست‌شدیدی برای تجربه‌ای خاص و کاملاً متمرکز به‌فرد از زندگی، فارغ از هر محدودیتی است. نوشته‌ی هان تنها یک سرزنش نیست؛ این ثبت دقیق نیاز و تمایل انسان با تمام پیچیدگی‌های آن است.

در حالی که «گیاهخوار»، هان، موفق‌ترین رمان اوست که به زبان‌های مختلف ترجمه شده است (در فارسی هم چند ترجمه از آن وجود دارد، منبزه ژیان، رامین جعفری، مرضیه‌سادات هاشمی‌پور، مهلاسادات عرب و روح انگیز شثا‌عینون مترجمانی هستند که این کتاب را به فارسی برگردانده‌اند)، «اعمال انسانی» او در کره جنوبی مهم‌ترین رمانش در نظر گرفته می‌شود. این کشور با میراث قیام گوانگجو (که قتل‌عام گوانگجو نیز نامیده می‌شود)، در مه ۱۹۸۰ دست‌نویس‌نرم می‌کند، زمانی که ارتش تحت فرمان دیکتاتور نظامی چون دو‌هوان به‌دانشجویان و غیرنظامیان معترض علیه حکومت نظامی تیراندازی کرد و حدود ۲۳۰۰ نفر را در ۱۰ روز کشت و بعد از آن تعداد بیشتری را کتک زد، تجاوز و شکنجه کرد. اخبار کشتار به‌سرعت توسط دولت چون، خاموش شد و برای بیش از یک نسل تابو باقی ماند. تعداد تلفات هنوز به‌شدت مورد بحث است در حالی که ۱۸ مه ۱۹۹۷، به‌روز بزرگداشت قربانیان تبدیل شد. گوانگجو همچنان نقطه‌عطف‌درگیری‌های سیاسی است.

هان در زمان این خشونت‌ها ۹ ساله بود اما خانواده‌اش اوایل همان سال به حومه‌ی سنول نقل مکان کرده بودند. او گفته بود، وقتی پدرش - که او هم رمان‌نویس بود- عکس‌های این شورش را دو سال بعد به‌او نشان داد، زندگی‌اش عوض شد. خاطره‌ی دختر ۱۱ ساله شوکه‌شده در مؤخره با عنوان «نویسنده ۲۰۱۳» آمده است:

«هنوز لحظه‌ای را به‌یاد می‌آورم که نگاهم به‌صورت مثله‌شده‌ی زنی جوان افتاد که زخم‌های عمیق نیزه روی صورتش بود. در آن لحظه در درونم چیزی به‌آرامی شکست، چیزی که قبلاً آن را تشخیص نداده بودم. شکستن یک چیز لطیف - یک روح، یک وجدان یا یک بدن فیزیکی، مانند شخصیت‌هایی که در اعمال انسانی به‌تصویر کشیده شده‌اند - فوری‌ترین موضوع شاهکار هان است. این سؤال اصلی در کار هان کانگ است. زبان او اغلب به‌اندازه‌ی گفت‌وگو با یک دوست، خوانندگان را وادار می‌کند که دفاعیات و طفره‌رفت‌های خود را کنار بگذارد.



شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران
روابط عمومی

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی دومرحله‌ای

نوبت دوم

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران - مدیریت بازرگانی

موضوع مناقصه: خرید تعداد ۳۰ دستگاه سیستم اتصال زمین بارگیری طی تقاضای شماره: DSD-۰۲۲۰۴-TR

تاریخ، مهلت، نشانی محل دریافت و تحویل استعلام کیفی مناقصه‌گران:

شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی خرید تعداد ۳۰ دستگاه سیستم اتصال زمین بارگیری را به شماره نیاز ۸۷۰۵۰۰۰۰۹۳۳۵۰۰۳۰۲۰۰ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واز بین تأمین کنندگان کالا (تولیدکنندگان، فروشنندگان) برگزار نماید و کلیه مراحل برگزاری فراخوان عمومی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوت نامه جهت سایر مراحل مناقصه الزاماً از طریق درگاه سامانه مذکور به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. تاریخ انتشار فراخوان درسامانه تاریخ ۱۴۰۳/۷/۲۹ می‌باشد، اطلاعات واسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه به آدرس سامانه ستاد برای مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.

مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی: روز شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۸/۵ **مهلت ارسال مدارک ارزیابی کیفی:** روز شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۸/۱۹

آدرس: تهران خیابان ایرانشهر شمالی-روبروی پارک هنرمندان - جنب خیابان برداران شاداب-پلاک ۱-طبقه دوازدهم اداره خریدهای داخلی - شماره تماس: ۸۸۳۲۷۰۸۵ و ۸۴۱۲۰۹۹۶

مبلغ معامله برای مناقصه یادشده ۲۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال برآورد شده است.

تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است که براساس آئین نامه تضمین در معاملات دولتی قابل ارائه می‌باشد، ضمناً آگهی در سامانه های IR,MONAGHESE,NIOPDC,IR و همچنین سایت [HTTP://www.ETS,MPORG,IR](http://www.ETS,MPORG,IR) صرفاً جهت اطلاع قابل رویت می‌باشد.

اطلاعات تماس سامانه ستاد: مرکز تماس ۰۲۱۱۴۵۶ دفتر ثبت نام ۰۸۹۶۹۲۳۷۰۸۵۹۳۳۷۶۸

شناسه آگهی: ۱۸۰۷۹۴۵



جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی سازمان ملی زمین و مسکن

اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی

فراخوان مناقصه عمومی

اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی در نظر دارد مناقضات ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت طبق شرایط، مدارک و برنامه زمانی مندرج در سامانه مذکور برگزار نماید:

موضوع فراخوان	مبلغ برآورد به ریال	شماره فراخوان سامانه ستاد
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای حفاظت از اراضی سازمان ملی زمین و مسکن	۱۶۷'۲۸۰'۹۷۲'۸۸۰	۲۰۵'۰۵۰'۳۳۷'۴۰۰۰۰۷

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری فراخوان استعلام، از دریافت و تحویل اسناد و سایر مراحل مرتبط با آن، تنها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و دریافت و تحویل اسناد از سایر محل‌ها امکان پذیر نخواهد بود.

شناسه آگهی: ۱۸۱۱۶۵۲

اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی

درباره نسبت سلبریتی بودن و روشنفکری

نگاهی به شماره ۱۷۳ ماهنامه مدیریت ارتباطات



نرگس کیانی

خبرنگار گروه فرهنگ

شماره صدوهفتادوسوم ماهنامه «مدیریت ارتباطات»، با پرونده‌ای ویژه با عنوان «طلب‌هایی که جماعت بر آن می‌کوبند» منتشر شد. در این پرونده کوشش شده است به این سؤال پاسخ داده شود که چرا منتقدان، روشنفکران، فلاسفه، نویسندگان و مانند این‌ها تمایل قابل توجهی به سلبریتی شدن پیدا کرده‌اند؟ به عقیده نویسندگان این پرونده، امروزه طیف زیادی از آنان که داعیه کار فکری - هنری دارند، مابین تلاش برای محبوبیت در شبکه‌های اجتماعی و کار ذاتی خودمانده‌اند. مسئله‌امان این جاست که تجربه نشان داده است سلبریتی شدن روشنفکران به آن‌ها فضا و تریبون بهتر و بزرگ‌تری نخواهد داد، بلکه ملزم به پذیرش یک سبک زیستی خاص‌شان خواهد کرد. در واقع روشنفکران تا حدیک‌شاخ مجازی سقوط خواهند کرد و مانند طبل‌هایی خواهند شد که فهم عرفی است که آن‌ها را به صدا در می‌آورد. برای آسیب‌شناسی این پدیده، پرونده‌ای گردآوری شده است که از جمله شامل گفت‌وگویی با شروین وکیلی، جامعه‌شناس و تاریخ‌پژوه است. «سندرم شهرت»، «بکش اما مشهورم کن»، «از فرهنگ تا ایدئولوژی»، «عموم و خصوص مطلق» و «شهرت مذموم» دیگر عناوین این پرونده است. عنوان دیگر مطلب شماره صدوهفتادوسوم ماهنامه «مدیریت ارتباطات»، «از شهروندان مهجور تا جامعه جهانی تا شهسواران فناوری» است. شهسواران فناوری، نامی است که در سند مسئولیت اجتماعی آرون کلا، به نمایندگان اعزامی ایران به مسابقات جهانی مهارت در رشته‌های حوزه IT داده شده است. نمایندگانی که در چهل‌وهفتمین دوره این مسابقات که در لیون فرانسه برگزار شد، موفق به کسب یک مدال نقره و پنج مدال‌یون شدند. جوانان و نوجوانانی از چهار گوشه ایران که باید نام‌شان را خوب به‌خاطر سپرد؛ چراکه اگر وضعیت موجود ناگزیر از مهاجرت‌شان نکند، بدون شک در اکوسیستم فناوری آینده ایران خواهند درخشید. هر چند این اتفاق، در غیاب حمایت‌های دولتی، بی‌حضور و ممتزینگ شرکت‌های High-tech در حوزه IT از جمله آرون کلا، غیرممکن است. نگاهی به مسابقات جهانی مهارت ۲۰۲۴ و گفت‌وگو با منتورهای تیم اعزامی ایران در کنار صحبت با هستی شهریزفر، معمار ارتباطات آرون کلا، همچنین پرسش و پاسخی با کسب‌کنندگان مدالیون‌ها بخش‌هایی از این مطلب است. در جهان مدرن ظاهراً ناگزیریم بپذیریم که بسیار ساده‌انگانه است اگر تصور کنیم جریان‌های خبری در شبکه‌های اجتماعی فقط جریان‌هایی خنثی یا انگیزه‌اطلاع‌رسانی صرف هستند. در واقع ما ناگزیر از پذیرش این واقعیتیم که جریان‌های خبری، نماینده دستگاه‌های تبلیغاتی مختلفی هستند که «روایت»‌ها را تولید و تکثیر می‌کنند. نگاهی به چگونگی زیست‌روایت‌ها در اینترنت از جمله دیگر مطالب شماره صدوهفتادوسوم ماهنامه «مدیریت ارتباطات» است. «نام‌ها از کجا می‌آیند؟ برنسدازی شخصی؛ راه بلندمدت دوست‌داشتنی»، عنوان کتابی به قلم حسین گنجی است که توسط انتشارات سیمای شرق منتشر و روانه بازار کتاب شده است. در این کتاب ویژگی‌های ۱۴ شخصیت برجسته از بهترین برندهای شخصی مرور و مسیر برنسدازی آن‌ها به مخاطب نشان داده شده است. محمدرضا شفیعی کدکنی، محمدرضا شجریان، ابراهیم گلستان، ژاله آموزگار، رضا داوری اردکانی، هوشنگ ابتهاج، محمد احصایی، بهرام بیضایی و... شخصیت‌هایی هستند که نویسنده کتاب درباره دلایل بالارزش‌شدن‌شان نوشته است. نقد و بررسی این کتاب یکی دیگر از مطالب شماره تازه «مدیریت ارتباطات» است. از جمله دیگر مطالب تازه‌ترین شماره ماهنامه «مدیریت ارتباطات»، مطلبی تحت عنوان «در ضیافت غول‌ها» است که در آن عبدالجواد موسوی، روزنامه‌نگار و شاعر به این سؤال پاسخ داده است که چرا خواندن آثار کلاسیک برای نویسنده شدن ضروری است؟ جز این‌ها در این شماره مطالبی از مسعود سپهر، علی مسعودی‌نیا، نیشو شاطیبی گیلانی، مریم‌پهریان و... می‌خوانید.

